

### متن پرسش

سلام و احترام حاج آقا: ببخشید وقتی خداوند مسئولیت بزرگی از نظر دنیایی روی دوش ما می‌ذاره که سر راهمون قرار گرفته و نمی‌خواستیم اینطور بشه و خدا پیش آورد که خواه ناخواه در ما اضطراب از انجامش ایجاد می‌کنه و از کارهای ضروری دیگه باز میداره با اینکه میدونیم کارهای ضروری سنگین دیگه داریم، چجوری نگاه کنیم به موضوع؟ یه نگاه حکیمانه می‌خواستیم که راهگشا باشه و بدونم چجوری با این کار سنگین کنار بیام تا سریعتر تموم بشه و بتونم به کارهای مهم زندگی که آنها نیز سنگین هستند و قابل جمع نیستند برسم؟ همشونم دیر میشن و دیرشدنشون عواقب سختی داره. واقعا نیاز به دعای شما و کمک خداوند و یه نگاه حکیمانه دارم تا بتونم از این عرصه عبور کنم.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: فراموش نفرمایید که هر اندازه انسان‌ها اساسی‌تر در مسیر توحید قرار گیرند، توحیدی که ما را از روزمزه‌گی‌های زندگی دنیایی آزاد کند؛ به همان اندازه ابتلاها و امتحان‌ها جدی‌تر می‌شوند و حضرت حق در این رابطه است که می‌فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ □ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ». آری! و «بشر الصابرين» بشارتی در میان است که خبر می‌دهد برای انسان در دل چنین امتحان‌هایی وسعتی در میان است. موفق باشید